



شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴



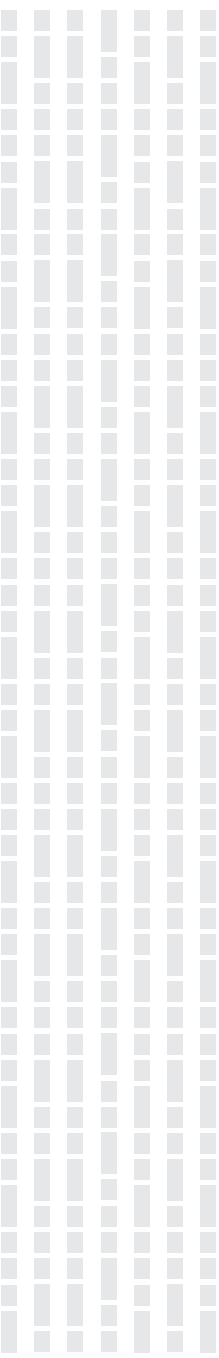
شماره ۴۴۹۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



چرا اروپا با تمدید ماشه موضوعیت بیشتری پیدا می کرد؟

اسنپ بک علیه اسنپ بکی ها



سید مهدی طالبی
رئیس‌کلر حوزه بین‌الملل

پنجشنبه هفته گذشته سه کشور اروپایی حاضر در توافق برجام (فرانسه، آلمان و انگلیس) در نامه‌ای به اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواستار فعال شدن اسنپ‌بک یا همان مکانیسم ماشه شدند. این تصمیم می‌تواند به احیای ۶ قطعنامه سازمان ملل منجر شود و تحریم‌های بین‌المللی ایران را بازگرداند. در مقابل تصمیم این سه کشور که با پشتیبانی آمریکا صورت گرفته، روسیه و چین برای مقابله با این روند قصد دارند پیش‌نویسی را در شورای امنیت به رأی بگذارند که باعث تمدید محدود قطعنامه ۲۲۳۱ می‌شود.

نکات

اقدام اروپا در فعال‌سازی اسنپ‌بک بر بستری از تحولات روی داده و نیاز مند بررسی بر همین مبناست.

۱- اسنپ‌بک مهم‌ترین ابزار اروپا در برابر ایران، آمریکا و رژیم صهیونی بود. چندان دور از ذهن نبود که آن‌ها از این ابزار بگذرند. در برابر ایران، اروپایی‌ها همانند آمریکا ورژیم صهیونی دارای توانمندی‌های نظامی نیستند. از سوی دیگر، در نهادهای بین‌المللی همانند شورای امنیت، اجماع پیشین قابل حصول نیست مگر با به‌کارگیری اهرم اسنپ‌بک. فراتر از ایران، این اهرم یکی از معهود مواردی استست که باعث نیازمندی آمریکا و صهیونیست‌ها به اروپا می‌شود. رژیم صهیونی در فضای سوریه، لبنان و غزه با اروپا درگیر است. به دلیل اتکای تل‌آویو به واشنگتن برای مقابله با قاره‌سبز، صهیونیست‌ها در برابر اروپا واکنش‌های تهاجمی نشان داده‌اند. نامه‌نگاری‌تناپناهو به رئیس‌جمهور فرانسه و متهم شدن پاریس توسط واشنگتن به یهودی‌ستیزی این روند را نشان می‌دهد. آنچه اما آمریکا و رژیم صهیونی را محتاج اروپا ساخته، اهرم اسنپ‌بک است که با اشتباه ترامپ در دولت اولش از دست واشنگتن خارج شد.

۲- با استفاده از اسنپ‌بک عملاً قدرت بازگیری اروپا به‌شدت تضعیف می‌شود. این ابزار تازمانی عامل قدرت اروپاست که استفاده نشود. مطلوب‌ترین راه برای اروپا تمدید پی‌درپی این ابزار بود. آن‌ها به همین دلیل پیشنهاد کردند در وهله اول زمان استفاده برای ۶ ماه دیگر تمدید نشود. باین‌حال اگر ایران تمدید مهلت استفاده از اسنپ‌بک را می‌پذیرفت، اروپا با تشدید بازی و فشارها پاسخ می‌داد. از این‌رو همراهی با این خواسته برای تهران علاقتنه و مقدور نبود.

۳- احتمال کمی وجود دارد که چین و روسیه بی‌اثر شدن حق وتوی خود را آن‌هم توسط اروپا بپذیرند. به چالش کشیده شدن حق وتو تهدیدی برای تمام کشورهای دارنده این حق است؛ اما اگر با نادیده گرفتن حق وتوی قدرت‌های شرقی شکل بگیرد، نیازمند واکنش است.

۴- اروپا با قدرت هنجاری خود در کنار حملات آمریکا و رژیم صهیونی قرار گرفته است. اروپا جنگ ۱۲ روزه را با قطعنامه شورای حکام تسهیل کرد و حالا درصدد ایجاد فضای جنگی دیگر است. هرچند آن‌ها در جنگ ۱۲ روزه در کنار رژیم قرار گرفتند، اما وجوه برجسته این همراهی نه در هماهنگی اطلاعاتی بلکه در قطعنامه شورای حکام بود.

مهرداد خلیلی

کارشناس مسائل لبنان

لبنان در روزهای پراشتاب اخیر غرب آسیا به کانون توجه مبدل شده است. مسئله خلع سلاح مقاومت اسلامی لبنان به مرحله حساس و نفس‌گیر خود نزدیک می‌شود و سؤال اصلی بی‌پاسخ این روزها که در افکار عمومی با برجاست این است: «آیا حزب‌الله خلع سلاح خواهد شد؟». مسئله خلع سلاح حزب‌الله از زمان پایان جنگ داخلی این کشور در سال ۱۹۹۰ همواره در محافل سیاسی و رسانه‌ای لبنان مطرح بود؛ اما همیشه به دلیل ضعف نظامی ارتش لبنان و کارایی سلاح مقاومت در برقراری توازن قوا در مقابل رژیم صهیونیستی، موضوع خلع سلاح از یک حد معمول فراتر نرفت. علاوه بر این در توافق طائف، برسلاح حزب‌الله به عنوان عنصری اساسی در مبارزه با اشغالگری تأکید شد و تمامی دولت‌هایی که پس از طائف بر سرکار آمدند بر ضرورت مقاومت علیه اشغالگری در مانیفست دولت‌های ما بعد تأکید شد. پیروزی حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ که حقیقتاً جهان را شگفت‌زده کرد در تثبیت سلاح مقاومت نقش بسزایی ایفا کرد؛ هرچند به دلیل ویرانی‌های گسترده این جنگ و همچنین تشدید نظارت‌های سازمان ملل استفاده از سلاح حزب‌الله در برابر صهیونیست‌ها تابع یک‌سری شرایط و قواعد جدیدی شد. مقاومت در ۱۷ سال توانست مانع تجاوز مجدد صهیونیست‌ها به خاک لبنان شود؛ اما امروز ما در شرایط جدیدی قرار داریم که به هیچ‌وجه شباهتی به دوران ۴۳ ساله فعالیت حزب‌الله ندارد. در جنگ گذشته علیه لبنان، رژیم صهیونیستی هرچند نتوانست از نظر جنگ زمینی پیشروی محسوسی را محقق سازد؛ اما برتری اطلاعاتی این رژیم در ترور صف رهبران صف اول و دوم حزب‌الله و همچنین انهدام انبارهای تسلیحاتی مقاومت پیش از شروع جنگ، معادلات نظامی و امنیتی را در لبنان دستخوش تغییرات زیادی کرد. فقدان شخصیت‌های کلیدی حزب‌الله از دید دشمنان مقاومت بهترین فرصت جهت تحقق خلع سلاح و تبدیل حزب‌الله به یک حزب سیاسی را فراهم کرده است.

چرا فشار داخلی؟

در بررسی وضعیت امروز لبنان این سؤال پیش می‌آید که اگر حزب‌الله کاملاً شکست‌خورده، پس چرا برای خلع سلاحش به فشار سیاسی توسط دولت این کشور متوسل شده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که درست است که در جنگ اخیر بخش قابل توجهی از تسلیحات حزب‌الله در بمباران‌های اولیه منهدم شد؛ اما بخش مهمی از این تسلیحات از جمله موشک‌های نقطه‌زن و پهپادها همچنان در اختیار مقاومت قرار دارد. بنابر ادعای صهیونیست‌ها، منطقه بقاع در شرق لبنان به‌معنای زادخانه اصلی تسلیحات حزب‌الله از حملات هوایی در امان مانده است. با دقت به طبیعت جغرافیایی بقاع درمی‌یابیم این منطقه شامل سلسله کوه‌های سر به فلک کشیده است که در مقایسه با تپه‌های جنوب لبنان از استحکام بیشتری در مقابل حملات هوایی برخوردار است و از طرفی امکان حمله زمینی و نابودی این زادخانه

۵- دولت‌های اروپایی که به دلیل فشارهای داخلی مجبور به واکنش علیه رژیم صهیونی شده‌اند، با تشدید اقدامات ضدایرانی به نوعی در تلاش برای توازن‌بخشی برآمده‌اند. در یکی از این موارد، پس از تنش میان استرالیا و رژیم صهیونی، این کشور سفیر ایران را اخراج کرد. اروپا در همراهی با اقدامات ترامپ علیه ایران، به دنبال همراهی بیشتر او در قضیه اوکراین است. آمریکا در هفته‌های اخیر پذیرفته در حدود ۳۲۰۰ موشک کروز با برد ۴۰۰ کیلومتر به اوکراین بفروشد که این حجم بسیار عظیمی از فروش این نوع سلاح است. ۷- با ارسال نامه فعال‌سازی اسنپ‌بک، بازه ۳۰ روزه‌ای از تحولات تازمان تعیین تکلیف نهایی آن آغاز شده است. آنچه این وضعیت را برای اروپا مطلوب می‌سازد، به راه افتادن جار و جنجال‌هایی است که به‌طور تقریباً طولانی قاره سبزر را به مرکز توجه تبدیل می‌کند، درحالی‌که آمریکا، روسیه و چین در حاشیه قرار می‌گیرند. اروپا شرط تعویق اسنپ‌بک و تمدید قطعنامه را همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عنوان کرده است. اروپا از احیای فعالیت آژانس در برهه کنونی دو هدف کوتاه‌مدت در راستای همکاری با آمریکا ورژیم صهیونی دارد؛ اول مشخص شدن مکان ذخیره‌سازی و وضعیت ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ادعایی رسانه‌ها و دوم ارزیابی خسارت‌های وارده جنگ به تأسیسات هسته‌ای برای بهبود عملکرد در عملیات‌های محتمل بعدی.

آینده لبنان و خلع سلاح



۹- تشدید فشارها بر ایران از یک جنبه برای حفظ موازنه در منطقه به نفع رژیم صهیونی است. تضعیف شدید صهیونیست‌ها غرب را بر آن داشته تا برای حفظ و احیای قدرت آن بر ایران متمرکز شود. راهکار شکسته شدن این سیاست، حفظ تمرکز ایران بر رژیم صهیونی علی‌رغم فشارها و افزایش تلاش برای تضعیف تل‌آویو است.

۱۰- هم‌زمان با پرونده هسته‌ای ایران و تلاش برای محدود کردن آن، ترامپ در آلاسکا با پوتین برای کاهش و کنترل سلاح‌های هسته‌ای مذاکره کرده و در روزهای اخیر در جریان مذاکره با رئیس‌جمهور کره جنوبی در کاخ سفید، ضمن اشاره به کره شمالی، خواهان پیوستن چین به فرایند کاهش و کنترل سلاح‌های هسته‌ای میان واشنگتن و مسکو شد. ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود نیز تلاش کرده بود چین را وارد توافقات دوجانبه هسته‌ای و موشکی با روس‌ها کند که پیشینه‌اش به دوران شوروی می‌رسد.

ترامپ می‌گوید تعداد سلاح‌های هسته‌ای چین تا ۵ الی ۶ سال آینده به آمریکا و روسیه خواهد رسید و به همین دلیل یکن باید از امروز وارد روند موجود میان این دو قدرت شود. در مقابل، چین می‌گوید تعداد سلاح‌های هسته‌ای این کشور بسیار کمتر از آمریکا و روسیه بوده و پیوستش به روند کاهش سلاح، غیر منطقی است.

در زمانی‌که آمریکا در حال وارد آوردن فشار سنگین به روسیه، چین و کره شمالی در حوزه هسته‌ای است، روند مقابله با پرونده هسته‌ای ایران قطعاً شاهد فشار بیشتری خواهد بود؛ چه اینکه با وجود متأثر بودن از یک روند کلی علیه قدرت‌های شرقی، به دلیل تأثیر رژیم صهیونی فشار بر تهران سنگین‌تر خواهد بود.

۱۱- هدف کلی غرب فراتر از هسته‌ای، تضعیف تمام اهرم‌های پیشرفت و قدرت ایران است. به نظر می‌رسد با برطرف شدن تحریم‌های سازمان ملل و ناکامی تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که پس از خروج

آمریکا از برجام وضع شدند، غرب به دنبال احیای تحریم‌های بین‌المللی باشد. این احیا صرفاً از طریق اسنپ‌بک امکان‌پذیر است. بر همین اساس بود که ترامپ در دولت اولش ابتدا از برجام خارج شد و با مشخص شدن نتایج کمتر از انتظار، در پی فعال‌سازی اسنپ‌بک برآمد که به دلیل خروج

پشین موفق به بهره‌برداری از این اهرم نشد.

این روند نشان می‌دهد هدف اصلی و نهایی غرب از اسنپ‌بک بازگرداندن تحریم‌هاست، اما در بازی با این ابزار تلاش خواهد کرد ضمن تعیین مکان ذخیره‌سازی مواد غنی‌شده، از خسارات به تأسیسات هسته‌ای مطلع شود. بر این اساس هرگونه تلاش از سوی ایران برای انطباق با خواست اروپا در این زمینه بی‌ثمر است و در نهایت غرب می‌خواهد از این اهرم برای بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی استفاده کند.

ایران دو مسیر پیش روی خود دارد؛ نخست با عقب‌نشینی در برابر خواست اروپا و تلاش برای جلب نظر آن، با پذیرش بازدهی‌های گسترده بازرسان آژانس شاهد حملات مجدد نظامی و سپس بازگشت تحریم‌ها باشد، یا در راه دوم با کور ماندن چشمان غرب، خطر عملیات نظامی کاهش یافته و تنها اسنپ‌بک اجرایی شود.

۱۲- اروپا اختلافات عمیقی با آمریکا برای مهار روسیه دارد. این را می‌توان از برخی اظهارنظرها به‌خوبی دریافت. «مارسلو ربلو و سوسا» رئیس‌جمهور پرتغال روز چهارشنبه در نشست «دانشگاه تابستانی حزب سوسیال دموکرات» با انتقاد از عملکرد ترامپ در قبال جنگ اوکراین، او را به وابستگی به مسکو متهم کرده و گفت: «رهبر بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان، به‌وضوح یک مهره شوروی یا روسیه است. او به‌عنوان یک مهره عمل می‌کند.»

اروپا با فشار دولت‌ها و لابی‌هایش در داخل آمریکا از شکل‌دهی به سیاست‌های این کشور به شکل دلخواه باز مانده و احتمالاً به دنبال تشدید فشارها بر مسکو از مسیرهای دیگر است. اروپا به جای تلاش برای تمرکز مستقیم بر اوکراین برای تضعیف روسیه، به دنبال افزایش تلاش‌ها برای تضعیف غیرمستقیم است.

تضعیف همکاریی قدرت‌های شرقی و ایجاد تنش در منطقه غرب آسیا در همین راستا پیگیری می‌شوند. اروپا می‌داند اگر مجموعه‌ای از عوامل شامل ارتباط روس‌ها با راست‌ها و چپ‌های افراطی، نفوذش در آمریکا و همچنین هراس واشنگتن از درگیری مستقیم با مسکو فعلاً جنگ اوکراین را فریز کرده است، در غرب آسیا فشار بر روس‌ها می‌تواند از همه موانع عبور کند. بخشی از راست‌های افراطی انزواگرا مخالف درگیری با ایران هستند، اما در مقابل اقشار مختلفی از آن‌ها به‌شدت ضدایرانی‌اند. از سوی دیگر، نفوذ روسیه در آمریکا در قبال ایران به‌وسیله لابی صهیونی خشی می‌شود. همچنین ایران همانند روسیه قدرت هسته‌ای نیست.

۱۳- مشکل اساسی اروپا برای فعال‌سازی اسنپ‌بک مشروعیت است. این ابزار سازوکار معمول و روشنی ندارد و به همین دلیل، در صورت بروز مخالفت جدی در شورای امنیت، نتیجه و اثر آن حتی در صورت اجرایی شدن محل تردید خواهد بود. مشکل بعدی سکوت بی‌عملی اروپا در برابر جنایت‌های رژیم است. در شرایطی که جهان خواهان مهار رژیم صهیونی است، تلاش برای بازگرداندن تحریم‌های ایران جدی تلقی نخواهد شد.



متوالی مقاومت علیه اشغالگران صهیونیست و مزدوران آن، شیعیان برای اولین‌بار در تاریخ معاصر خود توانستند هم از مناطق خود در مقابل حملات صهیونیست‌ها محافظت کنند و هم توانستند حضور خود را به عنوان عنصری مؤثر در معادلات سیاسی و اجتماعی لبنان تثبیت کنند تا جایی که هیچ رخداد سیاسی در لبنان بدون حضور یا موافقت شیعیان امکان‌پذیر نیست. شیعیان لبنان قدرت حضور امروز خود را مدیون سلاح مقاومت و خون شهدایی می‌دانند که در راه مبارزه با اشغالگری صهیونیست‌ها به زمین ریخته شد. امروز تمامی شیعیان لبنان معتقدند خلع سلاح حزب‌الله مقدمه‌ای برای بازگرداندن آن‌ها به دوران سپاه و تاریک گذشته است که آن‌ها را عنصری حاشیه‌ای می‌دانست، شاید بعضی‌ها این مسئله را اغراق بدانند و معتقدند حذف شیعیان از ساختار سیاسی لبنان امکان‌پذیر نیست؛ اما باید گفت در ماه‌های اخیر تلاش‌هایی برای برکناری نبیه بری، رئیس جنبش امل از ریاست پارلمان این کشور از سوی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی شدت گرفته تا در انتخابات پارلمانی سال بعد لبنان شخصیتی شیعه اما خارج از دوگانه حزب‌الله – جنبش امل جایگزین نبیه بری شود. شیعه لبنانی امروز خود را جان فدای سلاح حزب‌الله می‌داند و به نظر نمی‌رسد دولت و ارتش این کشور تمایلی به جنگ با یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین طوایف این کشور داشته باشد.

آینده لبنان و سلاح مقاومت

بسا توجه به مطالب فوق‌الذکر می‌توان با قاطعیت گفت خلع سلاح کامل حزب‌الله به هیچ‌وجه قابلیت اجرایی ندارد اما این به معنای آن نیست که شرایط لبنان دستخوش تغییرات نشود، زیرا آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش می‌خواهند طرح خود برای فشار به حزب‌الله را تا سر حد امکان به اجرا بگذارند تا شاید بتوانند در صورت باقی‌ماندن سلاح حزب‌الله آلت‌ناتو مقاومت و شیعیان را تا بالاترین درصد ممکن تضعیف کنند. در سوی دیگر هرچند ارتش لبنان تمایلی به درگیری با حزب‌الله ندارد و حل‌وفصل ماجرا از طریق رایزنی‌های سیاسی را ترجیح می‌دهد، برخی احزاب مخالف حزب‌الله از درگیری مستقیم ابایی ندارند. آن‌ها در ماجرای درگیری الطیونه در سال ۲۰۲۱ به‌صورت محدود آن را اجرا کردند که این درگیری به شهادت ۷ تن از نیروهای حزب‌الله و جنبش امل منجر شد و همین مسئله احتمال تکرار درگیری‌های داخلی سال ۲۰۰۸ را به‌شدت تقویت می‌کند. حزب‌الله به‌خوبی می‌داند در شرایط جدیدی قرار گرفته و دیگر نمی‌تواند طبق قواعد سال‌های گذشته به ایفای نقش در عرصه داخلی و منطقه‌ای بپردازد. ازاین‌رو ضمن تأکید بر حفظ سلاح و محدودکردن حضور خود به داخل مرزهای لبنان (برخلاف نقش منطقه‌ای سال‌های گذشته خود) حاضر است بالاترین سطح از همکاری با دولت را داشته باشد اما نه به قیمت به خاشیه رانده‌شدن در عرصه داخلی. دولت لبنان هم می‌داند که خلع سلاح حزب‌الله کار بسیار سخت و تقریباً ناممکنی است اما برای جلب حمایت آمریکا و متحدان عربی‌اش چاره‌ای جز اجرای سیاست‌های موردنظر آنان ندارد، هرچند این سیاست‌ها عواقب وخیمی را در پی داشته باشد.

۲- بسا نگه به توان نظامی داخل لبنان به‌راحتی می‌توان کرد کرد که ارتش لبنان از ضعف تسلیحاتی شدیدی رنج می‌برد و ایضاً به دلیل شرکت نکردن در درگیری‌های نظامی نسبت به رزمندگان حزب‌الله، از تجربه نظامی به مراتب کمتری برخوردار است. فرماندهی ارتش لبنان با درک خطرات این رخداد به‌خوبی می‌داند که در صورت انتخاب گزینه درگیری با حزب‌الله، جز جنگ برادرکشی، هیچ دستاورد دیگری را به دست نخواهد آورد؛ چراکه تجربه تلخ جنگ داخلی لبنان هنوز در اذهان افکار عمومی و مردم لبنان زنده است. همچنین بر اساس گزارش رسانه‌های لبنانی، فرماندهی ارتش لبنان از رهبران سیاسی درخواست کرد طرح خلع سلاح پس از انجام یک توافق مابقی قاسم، دبیرکل حزب‌الله مبنی بر نپذیرفتن

۳- بر مرور تاریخ شیعیان لبنان در حداقل ۱۵۰ سال گذشته به‌راحتی می‌توان دریافت شیعه در لبنان همواره به عنوان ضعیف‌ترین قشر جامعه متکثر لبنانی شناخته‌شده و از دوران سلاطین عثمانی تا استعمار فرانسه و اشغال فلسطین تا جنگ‌های داخلی لبنان شیعیان همواره توسط دولت و دیگر طوایف لبنانی عنصری حاشیه‌ای به شمار آمده‌اند. بعد از وقوع جنگ‌های داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ شیعیان با هیزم دیگر گروه‌ای افراطی مسیحی یا چپ‌گرا بودند که مورد حمله دوطرف قرار می‌گرفتند، همچنین ظلم صهیونیست‌ها به مردم مناطق مرزی جنوب لبنان پس از اشغال فلسطین که اظهار من الشمس است که خاطرات شهید دکتر مصطفی چمران از تجربیاتش در لبنان و تشکیل حرکه‌المحرومین به همت امام موسی صدر گویاترین سند برای درک مظلومیت شیعیان لبنان در آن دوران به شمار می‌آید. پس از تشکیل حزب‌الله در سال ۱۹۸۵ به‌صورت رسمی و پیروزی‌های